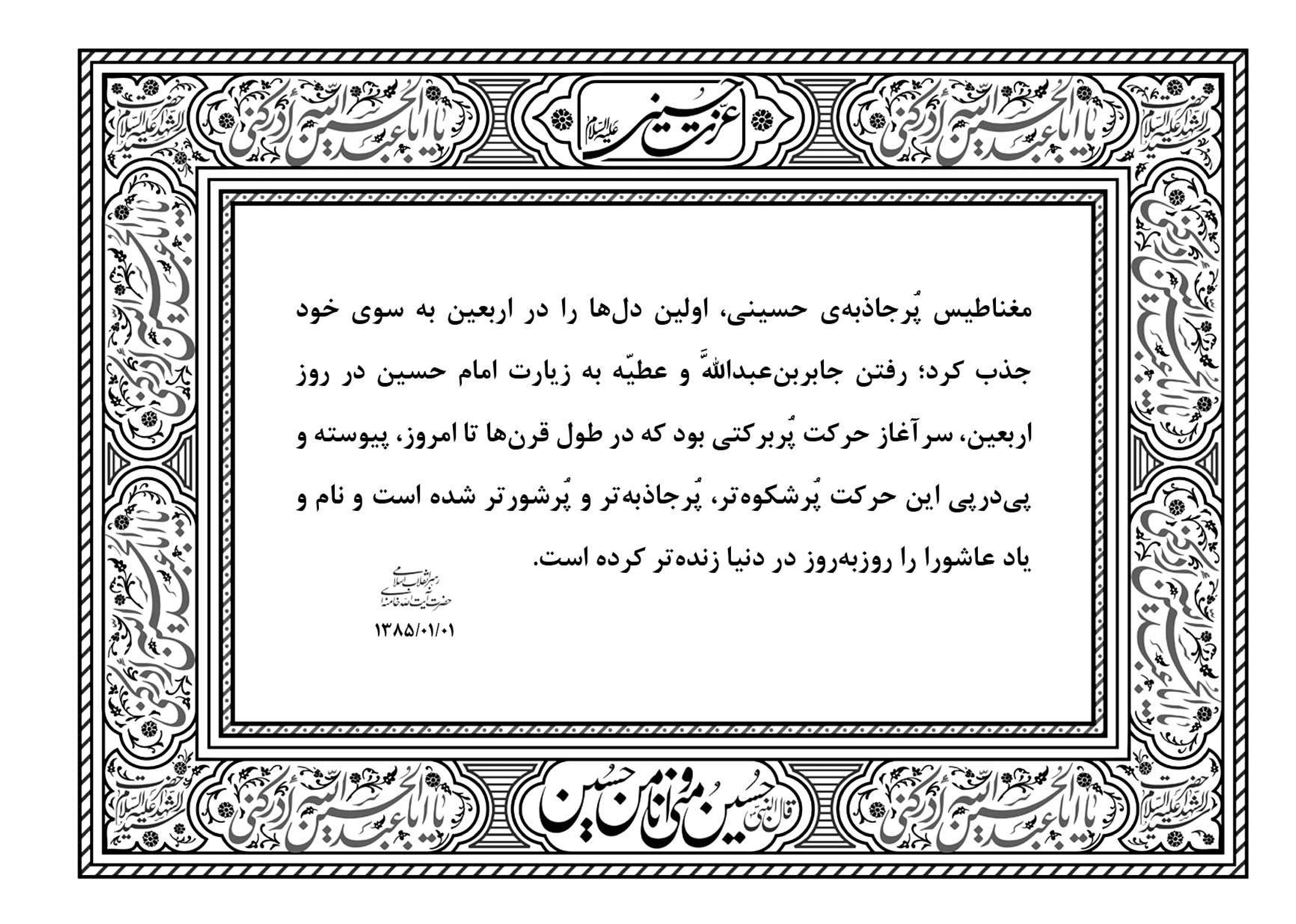

بسم الله



شامل :

بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین


عزت حسینی علیه السلام
یا اباعبدالله الحسین ادرکنی
حضرت سیدالشهدا علیه السلام
مغناطیس پُرجاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد؛ رفتن جابربن‌عبداللهؓ و عطیّه به زیارت امام حسین در روز اربعین، سرآغاز حرکت پُربرکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی‌درپی این حرکت پُرشکوه‌تر، پُرجاذبه‌تر و پُرشورتر شده است و نام و یاد عاشورا را روزبه‌روز در دنیا زنده‌تر کرده است.
رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
۱۳۸۵/۰۱/۰۱
قال النبی حسین منی و انا من حسین

تهیه و تنظیم : کانون نخبگان تبلیغ / مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی / کمیته ی فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین

به کوشش : طه قدوسی

طرح جلد و صفحه آرایی : محسن بهرامی

ویراستار : سید علی حسینی، ابوالفضل حاج عبدالصمد

مترجم : سید مِقدام حیدری





فهرست مطالب :

مقدمــه

زیارت اربعین حسینی که در روایت نورانی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مومن قلمداد شده است، چند سالیست که به فضل الهی در بین عموم شیعیان و محبین حضرت سیدالشهداء علیه السلام فراگیر و با آیین با شکوه پیاده روی از مکان های مختلف به سمت کربلای معلا همراه شده است.

هر ساله شاهد جمعیت میلیونی زوار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم که توسط ملت با کرامت عراق مورد پذیرایی و استقبال قرار می گیرند و حجم بالای جمعیت و مهمان نوازی مخلصانه و کریمانه ملت عراق که به صورت مردمی و بدون کوچکترین حادثه در نهایت هماهنگی صورت می پذیرد، انگشت حیرت هر بیننده ای را به دندان می گیرد.

فرصت پیاده روی اربعین و حضور جمعیت میلیونی عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در موکب های حسینی فرصت مناسبی است که در صورت استفاده مناسب زمینه ارتباط حداکثری امت اسلامی و تقویت و استحکام روابط را محقق می کند.

بر سر راه این مهم قفل بزرگ اختلاف زبانی وجود دارد که مانع ارتباط بیشتر و صمیمانه تر ملت ها و ملت عراق می گردد.

بارها شاهد آن بوده ایم که جماعتی از مردم ایران در خانه ای و یا موکبی مورد پذیرایی قرار گرفته اند، ولی توان تشکر و قدردانی از زحمات میزبان و ارتباط برقرار کردن با او را که منجر به رفاقت و صمیمیت دائمی بین آنها باشد را نداشته اند تا شاید روزی میزبان آنها در یکی از شهرهای ایران اسلامی باشند.

مجموعه ای که پیش روی شماست شامل بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین حسینی است که توسط دانش آموزان مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی برای زائر اربعین جمع آوری و ترجمه گردیده است.

امتیاز ویژه آن این است که عبارات مورد نیاز از زبان فارسی هم به زبان عربی فصیح و هم لهجه محلی عراقی ترجمه گردیده است.

ویژگی دیگر این کتاب بخش جملات تعارفی و محبت آمیز است.

مردمان عراق، مردمانی خونگرم و تشنه محبت هستند و در قبال این نوع جملات واکنش های بسیار خوب و مهربانانه ای از خود نشان می دهند.

پیشنهاد های مشفقانه شما عزیزان در جهت هر چه بهتر شدن این جزوه برای سال های آینده را پذیرا هستیم.

با تشکر از همه اساتید، که مشوق انجام این کار بودند.

طه قدوسی
۱۶آبان ۹۴

احوال پرسی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
سلام صبح به خیر / شب به خیر	السلام علیکم وصبحکم الله بالخیر / مسّاکم الله بالخیر	
حالت چه طور است؟	کیف الحال؟	شْلون الصّحهٔ؟
خوب هستی ان شاءالله؟	بخیر إن شاء الله؟	إن شاالله زِین؟
ممنون خوبم	شکرا بخیر	شکرا زین
الحمدالله که سلامت هستی	الحمد لله علی سلامتک	
هوا خیلی گرم / سرد است	الجوّ حار / بارد جدّاً	الجوّ هوایه حار / بارد
خسته شدی؟	هل تعبت؟	تِعَبِت؟
بله خیلی / نه اصلا	نعم تعبت کثیرا / لا أبداً	إی تعبت هوایه / لا أبدا
اسمت چیه؟ (اسم کریمت چیه؟)	ما اسمک؟ ما اسمک الکریم؟	شِسْمَک؟ شِنو اسمکم الکریم؟
از کجا آمده ای؟	من أین أتیت؟	من وین جای؟
اهل کجا هستی؟	من أی بلد أنت؟	إنتَ من وین؟ من یا بلد؟ من یا مدینهٔ؟
من ایرانی هستم	أنا إیرانی	آنی إیرانی
من اهل شهر قم / تهران ... هستم	أنا من مدینهٔ قم / طهران ...	آنی من مدینهٔ قم / طهران ...
به چه شهرهایی می خواهی بروی؟	إلی أیّ مدن ترید أن تذهب؟	لْیا مُدُن تْرید تْروح؟
من به کربلا میروم(نجف)	أنا ذاهب إلی کربلاء / النجف.	آنی رایح لکربله / للنجف
چند روز است که در راه هستی؟ (چند روزه که این جایی)	کم یوم وأنت فی الطریق؟ کم یوم وأنت هنا؟	صار لک کم (چم) یوم بالطریق؟ صار لک کم یوم هْنا (إهْنا)
چند سالت است؟	کم عمرک؟	شْگَد عُمْرَک؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ببخشید من عربی ام زیاد خوب نیست	عفوا أنا لا أجید العربیۀ	عفوا عربیتی مو زینه/ مو جیدۀ
می تونی انگلیسی صحبت کنی؟	هل تستطیع أن تتکلم بالانجلیزی؟	تگدر تحچی انگلیزی؟
شما چه کاره هستید؟	ما هو شغلک؟	شنو شغلک؟
دانش آموز/ دانشجو/ طلبه/ کاسب/ کارمند/ معلم/ بازنشسته	طالب/ طالب جامعی/ طالب فی الحوزۀ/ تاجر / موظّف/ معلّم/ متقاعِد	
اوضاع عراق چطوراست؟	کیف الأوضاع فی العراق؟	شلونها أوضاع العراق؟ شنو أوضاع العراق؟
چه خبر از داعش خبیث؟	ما هی أخبار داعش الخبیثۀ؟	شاخبار (شَخبار) داعش؟
چه استان هایی الان دست داعش هست؟	ما هی المحافظات التی سقطت بید داعش؟	هِسَّه یا محافظات بید داعش؟
سامرا الان امنیت دارد؟	هل سامراء آمنۀ؟	سامرّه آمنۀ الآن؟
چطور می تونم برم سامرا؟	کیف أستطیع الذهاب إلی سامراء؟	شلون أگدر أروح لسامرّۀ؟
تو کربلا/ نجف اسکان سراغ دارید؟	هل تعرف عن سکن فی کربلاء/ النجف؟	تُعْرًف سَکَن بکربلاء (بکربله)/ بالنجف؟
هزینه ات چقدر شده است؟	کم بلغ مصرفک؟	شگد صار مصرفک؟
آیا ازدواج کردی؟	هل أنت متزوج؟	متزوّج؟/ إنتَ متزوّج؟
نه مجردم/بله متاهلم	لا أنا أعزب/ نعم متزوّج	لا ممتزوّج/ إی متزوّج.
چند تا بچه داری؟	کم لدیک من أطفال؟	شگد عندک...؟
دختر یا پسر؟	ذکور أم إناث؟	وِلِد لو بنات؟

عربی عراقی	عربی فصیح	فارسی
شإسِمهُم (شِسِمهُم)أطفالک؟	ما اسم أطفالک؟	اسم بچه هات چی هست؟
شگد عُمُرْهُم؟	کم عمرهم؟	چند سالشون هست؟
یرحون للمدرسهٔ؟ بْیا سنهٔ یْدُرسون؟	هل یذهبون إلی المدرسهٔ؟ فی أی سنهٔ دراسیهٔ یدرسون؟	مدرسه میروند؟ کلاس چندم اند؟
	ابتدائیهٔ/ متوسطهٔ/ ثانویّهٔ	ابتدایی/ راهنمایی/ دبیرستان
هذا (هاذه) رقم موبایلی	هذا رقم هاتفی	این شماره تلفن من است
هذا عنوانی بْقُم	هذا عنوانی فی مدینهٔ قم	این آدرس من در شهر (قم) است
إذا جیت لإیران أکید عود تعال لبیتنا	إذا زرت إیران فتفضّل فی بیتنا أکیدا	اگر ایران اومدی حتما بیا منزل ما
هاذی بطاقتی ورقم الاتصال بِیَّه	هذه بطاقتی ورقم هاتفی	این کارت و شماره تماس من است
وین عنوانک؟	أین عنوانک؟	آدرست کجاست؟
ممکن آخُذ رقم موبایلَک؟	هل یمکن أن تعطینی رقم هاتفک؟	ممکنه شماره تلفنتون رو داشته باشم؟
هذا (هاذه) منو؟	من هو؟	او کیست؟
وُیّا مَن جیت مشّایهٔ.	مع من مشیت الطریق؟	باکی اومدی پیاده روی؟
... ویا الأسرهٔ/ ویّا...	وحدک(وحدی)/ مع الأسرهٔ (مع العائلهٔ)/ مع الأصدقاء (الإخوهٔ)/ مع حملهٔ زیارهٔ	تنهایی/ باخانواده/ با دوستان/ با یک کاروان زیارتی
هذا شنو؟	ما هذا؟	این چیه؟
مای/ چای/ گهوه	تفضل ماء/ شای/ قهوهٔ	بفرمایین (آب/چایی/قهوه)
تْرید أدَلّکْلَک/ ترید أمَرِّخْلَک؟/ تِحتاج تدلیلک/تمریخ/مساج؟	هل أدلّک جسمک؟ هل تحتاج إلی تدلیک؟	ماساژ نیاز داری؟ ماساژت بدهم؟

عربی عراقی	عربی فصیح	فارسی
تفضّل، ناذر هاذی الِفْلوس لِلِحْسِین(ع)	تفضل هذه النقود، فقد نذرتها للإمام الحسین(ع)	بفرمایین این پول را برای امام حسین نذر کردم
تِحتاجون خِدمهٔ؟	هل تحتاجون إلی خدمهٔ؟	آیا کمک احتیاج دارید؟
الموکب بی مرافق (توالیتات) وحمّام؟	هل الموکب جاهز بمرافق الصحّهٔ والحمّام؟	موکب سرویس بهداشتی و حمام دارد؟
	تکرّم/ تکرّموا *	بفرمایین(برای احترام در سرویس بهداشتی)
الله یتقبل منکم	تقبّل الله أعمالکم	خدا از شما قبول کند

* تفضّل برای غذا خوردن و وارد شدن به اتاق و خانه است، برای دستشویی فقط از این فعل استفاده کنید.

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

(تلفن – سیم کارت – کارت شارژ– اینترنت – صرافی)

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
کجا می تونم سیم کارت عراقی بخرم؟	أين تباع شرائح للجوّال؟ *	وين يْبيعون شرائح؟
سیمکارت عراقی می خواهم	أريد شريحةً؟	
میشه برام فعالش کنی؟	هل يمكن أن تفعّلها لي؟	ممكن تْفَعّل لِيّاها؟
چقدر شارژ داره؟	كم مبلغ رصيدها؟	شگد بيهه رصيد؟
اینترنتش رو چطورفعال کنم؟	كيف أستطيع أن أفعّل الانترنت فيها؟	شْلون أفَعّل الانترنت مالِ الْخَط؟
کارت شارژ می خواهم	أريد رصيدا.	أريد رصيد.
می شود این شارژ را برای من وارد کنید؟	هل يمكن أن تدخل لي رقم الصيد؟	تِگْدَر تْدَخِّل لي الرّصيد من فضلَك؟
قیمت آن چه قدر است؟	كم سعره؟	شْگَد سِعرَه؟
کجا می تونم موبایلم رو شارژ کنم(پریز برق کجاست؟)	أين أستطيع أن أشحن جوّالي؟ أين نقطة الكهرباء؟	وين أگدر أشْحَن موبايلي؟ وين نقطةِ الْكهرباء؟
شارژر می خواستم	أريد شاحنةً.	
آیا این جا اینترنت دارد؟ (من اینترنت نیاز دارم)	هل يوجد هنا خط الإنترنت؟ أنا بحاجةٔ إلى إنترنت	أكو هنا خط أنترنت؟ آني محتاج أنترنت
کجامیتونم wifi پیدا کنم؟	أين توجد شبكةٔ wifi	وين تِحصَل شبكةٔ واي فاي؟
میتونم باگوشیتون یه تماس بگیرم؟	هل يمكن أن اتّصل بجهازك؟	أگدر أتصل بجهازك؟

* قید عراقی در کشور عراق نیاز نیست، چنان چه شما در ایران هیچ گاه نمی گویید سیم کارت ایرانی می خواهم.

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من دوستم رو گم کردم شارژم هم تموم شده	أنا قد ضیّعت صدیقی وقد انتهی رصیدی	آنی مضیّع صدیقی و موبایلی خلصان شحنه/ خلصان رصیده
تاکسی های نجف/ کربلا کجا می ایستند؟	أین تقف سیّارات کربلاء/ النجف؟	وین توگف تکاسی النجف/ کربلاء؟
تاکسی می خواستم برای نجف/کربلا/....	أرید سیارهٔ تکسی إلی النجف/ کربلاء	
کرایه تا کربلا/نجف/... چه قدر است؟	بکم الأجرهٔ إلی کربلاء/ النجف؟	شگد الکروهٔ للنجف/ لکربلاء؟
وسیله هایم زیاد است	متاعی کثیر	غراضی هوایه
باید بزارم صندوق عقب	لابدّ أن أضعها فی الصندوق الخلفی.	لازم أخلیها بالصندوگ الوره.
گران است / تخفیف بده	غال/ خفّض	غالی/ خفّض
من را سوار کن/اورا سوار کن	رکّبنی/ رکّبه	
میشه این سی دی/ فلش رو بزارید؟	هل یمکن أن تدخل هذا السی دی/ الفلش؟	تگدر تحط هذا السی دی/ الفلش؟/ تگدر تدگ...
صداش رو زیادکنید/کم کنید	صعّد صوته/ أخفض صوته	عَلّی صوته
خیلی زیباست چه کسی این صوت را خوانده؟	جمیل جدّا. من هو الرادود (مداح)/ المُقرئ (قاری قرآن)	هوایه حلو. منو الّی دَیِقرَه
کرایه من چقدر می شود؟	بکم صارت أجرتی؟	شگد صارت کَروتی؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من این جا پیاده می شوم	أنا نازل هنا	آنی هْنا نازل/ یَمَّک نازل
اسم این خیابان چیست؟	ما اسم هذا الشارع؟	شسمه هذا الشارع؟
خیابان...... از کدام طرف است؟	الشارع ..... من أیّ اتجاه؟	شارع... من یا صوب؟
حرم از کدام طرف است؟	الحضرة من أی اتجاه؟	الحضرة من یا صوب؟
پیاده تا حرم چقدر طول می کشد؟	کم یستغرق التمشّی إلی الحضرة من وقت؟	المشی إلی الحضرة شگد یاخذ وَقِت؟
دست شویی کجاست (رستوران، سوپر مارکت، بیمارستان، نمازخانه، موکب، هتل)	أین توجد/یوجد مرافق/ مطعم، سوبر مارکت، مستشفی، مصلی، موکب، فندق	وین أکو مرافق/ مطعم، سوبر مارکت، مستشفی، مصلی، موکب، فندق

پزشکی و دارويي

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
(داروخانه، مطب دکتر،بیمارستان) کجاست؟	أین توجد صیدلیّة، عیادة، مستشفی؟	وین أکو صیدلیّة، عیادة، مستشفی؟
آیا اینجا دکتر هست؟	هل یوجد طبیب هنا؟	یِحْصَل/ أکو طبیب هْنا؟
پایم تاول زده است	ظهرت بثور فی رجلی.	رِجلی مْفَرگِسَة/ رجلی مْبَطْبُطة
فکرکنم مسموم شدم	أظن أنی قد تسمّمت.	أتصوَّر مِتْسَمِّم؟
من سرم/ گلویم/ شکمم درد می کند	أشعر بوجع فی رأسی/ بلاعیمی/ بطنی	راسی/ بلاعیمی/ بطنی یوجعنی/توجعنی
او/ من بیماری قلبی دارم	أنا عندی مرض القلب/ هو عنده مرض القلب	آنی عندی مرض قلب/ عنده مرض قلب
اسهال دارم	عندی إسهال	
سرما خوردم/ مریض شدم	اُصِبت بالزکام/ تمرّضت	آنی منشول/ آنی انَّشَلِت/ تْمَرَّضِت
حالم خیلی بد است	صحتی سیئة جدًا	صحتی مِتْدَهْوِرَة کُلِّش
سرگیجه دارم	عندی دوّار	عندی دوخه
آمبولانس می خواهم	أرید سیّارة الإسعاف.	أرید سیارة إسعاف.
سرم/آمپول/قرص	مغذی/إبرة/حبوب	
دکتر کجاست؟	أین الطبیب؟	وین الطبیب؟
قرص سرماخوردگی/سردرد/مسکن دارید؟	هل لدیکم حبوب للزکام/ وجع الرأس/ مسکّن	عدکم حبوب للنشلة/ لوجع الراس/ مسکّن
من کمرم درد می کند	ظهری یؤلمنی.	ظهری یوجَعْنی
من دیسک کمر دارم	عندی دیسک الظهر	

انتقال معارف انقلابی

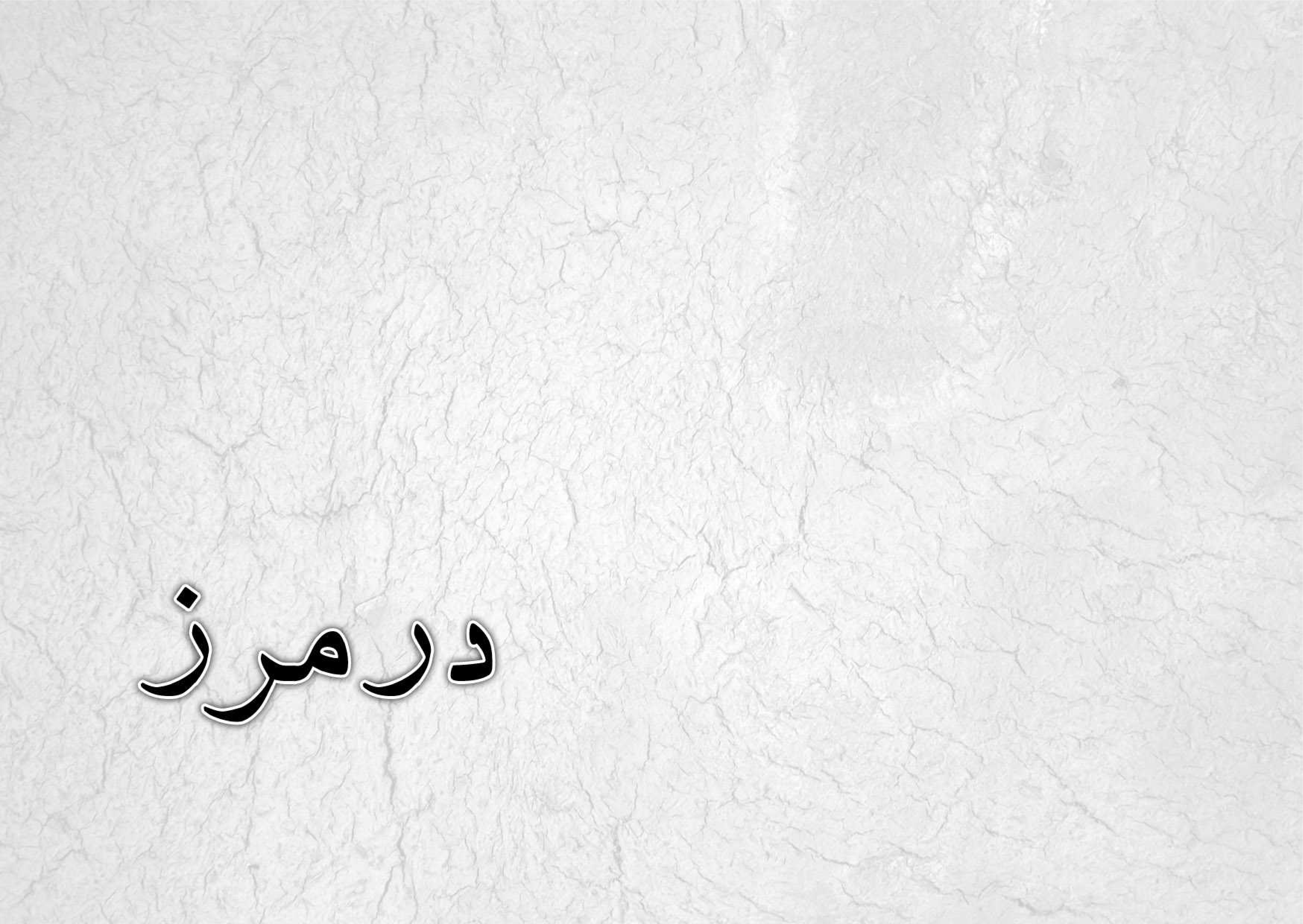
فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
امروز باید با آمریکا وصهیونیست مبارزه کنیم	یجب أن نحارب أمریکا وإسرائیل الیوم / لازم نْحارُب أمریکه وإسرایل الیوم	
جهاد نعمتی است که خداوند به بندگان لایق خودش عطا می کند	الجهاد نعمة یمنحها الله لعباده اللائقین	الجهاد نعمة، الله ینطیها للّی یسْتاهْل
شهیدخوشبخت است و شهادت سعادت	الشهید سعید والشهادة سعادة	
داعش محصول مشترک آمریکا و وهابیت است	داعش إنتاج مشترک لأمریکا والوهّابیة	
وهابیت ثمره ی اسلام آمریکایی و انگلیسی است	الوهابیة ولیدة الإسلام الأمریکی والإنجلیزی	
شیعه ای که از لندن تبلیغ دین کند و از انگلیس کمک بگیرد شیعه نیست	الشیعی الذی یبلّغ دینه من لندن ویستلم دعما من انکلترا فلیس بشیعی	الشیعی الّی یِبَلِّغْ دینَهْ من لندن وْیِسْتِلِمْ دَعِم من انگلتره فهذا مو شیعی
نظرشما در مورد قمه زنی چیست؟	ما رأیک حول التطبیر؟	شنو رأیک بالتطبیر؟
قمه زنی را حضرت آیت الله خامنه ای حرام کردند	سماحة السید القائد آیة الله الخامنئی قد حرّم التطبیر	سماحة السید القائد مْحَرِّم التطبیر
هم اکنون قمه زنی به ضرر شیعه در دنیا است	التطبیر الیوم بضرر التشیّع فی العالم	هِسَّه التَّطبیر بْضَرَرِ التَّشیّع
آیا کسی که با انگلیس وآمریکا مبارزه نمی کند شیعه است؟	هل من لا یحارب انکلترا وأمریکا شیعی حقّا؟	الّی مَیْحارُب انگلتره وأمریکه شیعی صُدُگ؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
آمریکا،اسراییل،داعش،وهابیت همگی مخالف جریان حزب الله هستند	أمریکا وإسرائیل وداعش والوهّابیهٔ کلّهم أعداء لحرکهٔ حزب الله	أمریکه وإسرائیل وداعش والوهابیهٔ کُلْهُم أعداء حزب الله
داعشی ها سنی نیستند یک گروه تروریستی هستند	الدواعش لیسوا بسنّهٔ وإنما هم جماعهٔ إرهابیّهٔ	الدواعش مو سنّهٔ، هَذوله جماعهٔ إرهابیهٔ
شیعه وسنی باید با داعش خبیث وارد جنگ شوند	لابدّ للشیعهٔ والسنّهٔ أن یحاربا الدواعش الخبثاء	لازِم الشیعهٔ والسِّنّهٔ یْحاربون الدّواعِش المَلاعین
شیعه و سنی باید با یکدیگر متحد باشند	یجب علی الشیعهٔ والسنّهٔ أن یتحدّا معا	لازم الشیعهٔ والسّنهٔ یِتَّحْدون
ایران از اول انقلاب در خط مقاومت هست	ما زالت إیران منذ انتصار الثورهٔ ولحد الآن فی خطّ المقاومهٔ	إیران من بدایهٔ الثورهٔ ولِحَد الآن بْخَطّ المقاومهٔ
این عزت کشور ایران بخاطر ولایت فقیه است	إن عزّهٔ إیران بسبب ولایهٔ الفقیه	عزهٔ إیران هاذی بْسَبَب ولایهٔ الفقیه
جوانان عراقی باید از مکتب شیعه دفاع کنند	یجب علی الشباب العراقی أن یدافعوا عن التشیّع	لازم الشباب العراقیّین یْدافْعون عنِ التشیّع
ایرانیها در کنار مقاومت مردم عراق تا پیروزی کامل هستند	یقف الإیرانیون مع الشعب العراقی فی جبهۀ المقاومهٔ حتی الانتصار النهائی إن شاء الله	الإیرانیین واگفین وره الشعب العراقی بجبهۀ المقاومهٔ حتی النصر النهائی إن شاء الله

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ان شاءالله که هرچه زودتر ملت عراق پیروز شود	إن شاء الله ینتصر الشعب العراقی فی القریب العاجل	إن شاء الله یِنْتِصِر الشعبِ العراقی فی القریب العاجل
مردم عراق باید حول محور مرجعیت آیه الله سیستانی حرکت کنند	یجب علی الشعب العراقی أن یتحرّک حول محور مرجعیهٔ آیهٔ الله السیستانی دام ظله	لازِمِ الشَّعبِ العراقی یِتْحَرَّک حَولْ مِحْور مرجعیّهٔ السید السیستانی الله یحفظه
خدا همه مجاهدین را حفظ کند	أسأل الله أن یحفظ المجاهدین جمیعا	الله یِحفَظ کُلِّ المجاهدین
تاحالا تو جبهه شرکت کردین؟	هل قد ذهبت إلی الجبههٔ لحد الآن؟	رایِح لِجَّبْهَهٔ لیهِسَّه؟
در کدام مناطق؟	فی أی مناطق؟	بْیا مناطق؟
خوش به حال شما	هنیئا لک/ لکم	نْیالَکْ/ نْیالْکُم
جهاد در راه خدا دری است از درهای بهشت که خدا به روی بندگان خاص خودش باز می کند	عن أمیر المؤمنین(ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّهِٔ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّهِٔ أَوْلِيَائِهِ.	
سردارسلیمانی در کشور ما خیلی محبوب است	الجنرال قاسم سلیمانی له شعبیّهٔ کبیرهٔ فی بلدنا	قاسم سلیمانی إله شعبیّهٔ کبیره بْبَلَدنَه
ایران از اول انقلاب همه ی مردمان مظلوم دنیارا حمایت می کند	تدافع إیران منذ انتصار الثورهٔ ولحدّ الآن عن الشعوب المظلومهٔ فی العالم	إیران من بدایهٔ الثورهٔ ادّافع عن مظلومی العالم
خداوند امام خمینی را رحمت کند	رحمهٔ الله علی الإمام الخمینی / الله یرحم الإمام الخمینی	

اسکان

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
می دونی هتل ارزان کجامی تونم پیدا کنم؟	هل تعرف أين أستطيع أن أجد فندقا رخيصا؟	تِدری وین أگدَر ألْگِی فُنْدُق رِخیص؟
آیا اتاق خالی دارید؟	هل لدیکم غرف فارغۀ؟	عندک/ عِدکُم غرفۀ فارْغَۀ؟
چه امکاناتی دارد؟	ما هی إمکاناتها / تجهیزاتها	شنو إمکاناتْهه / تجهیزاتْهه
کجامیتونم هتل با اتاق خالی پیدا کنم؟	أین أستطیع أن أجد فندقا بغرف فارغۀ؟	وین أگدر ألگی فندق بی غُرَف فارْغۀ؟
کی اتاق خالی دارید؟	متی تتوفّر لک غرف فارغۀ؟	شْوَکِتْ تْصیرْ عِنْدَک غرف فارغۀ؟
اتاق کی آماده می شود؟	متی تحضر الغرفۀ؟ متی تکون الغرفۀ جاهزۀ؟	شْوَکِت تِحْضَرِ الْغرفۀ؟
کرایه ی آن شبی چقدر است؟	بکم أجرتها لیلیّا؟	شْگَد أجْرَتْهَه بْکُل لیلَۀ؟
خوب است. اتاق را می خواهم	جیّدۀ. أرید الغرفۀ	زینه. أرید الغرفۀ
نه، قیمت آن زیاد است	لا، سعرها غالٍ	لا، سعرهه غالی
ارزان تر ندارید؟/تخفیف نمی دهید؟	ألا توجد لدیکم غرف أرخص؟/ ألا تخفّض؟	ما عدکم غرف أرخص؟/ مَتْخَفِّض؟
آسانسور هم دارید؟	هل لدیکم مَصعَد؟	مَصْعَدْ هَم عِدْکُم.


درمرز

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایید، این گذر نامه ی من است	**تفضّل هذا جوازی.**	
برای اربعین آمده ام	**جئت لزیارهٔ الأربعین.**	**جیت لزیارهٔ الأربعین.**
کی اجازه ی ورود می دهید؟	**متی تسمحون لنا بالدخول؟**	**شوَکِت تْخَلّونا نِدْخُل؟**

جملات محبت آمیز و تعارفی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
شما عراقی ها درقله های عزت هستید	أنتم العراقيين فی قمّة العزّ والكرامة	إنتو العراقيين بقمّة العزّ والكرامة
شما مردمی شجاع ودلیرهستید	أنتم شعبٌ شجاع وبَطَل	إنتو شَعَبْ شجاع وبطل
شما درقله های کرامت هستید		أنتم فی قمّة الكرامة./ إنتو بقمّة الكرامة
کرامت شما در دنیا بی نظیر است	كرمكم ليس له نظير فی العالم	كَرَمْكُم ما إلَه نظير بالعالم
خدا پدر و مادرت رو بیامرزه	الله يرحم والديک	
شما افتخار ما هستید	أنتم فخر لنا/ أنتم مفخرة لنا	إنتو فَخَر إلنَه/ إنتو مفخرة إلنه
خدا اجرت بده	مأجور/ مأجورين	
خسته نباشی / زنده باشی / نوش جونت	الله يساعدک / حياک الله / هنيئا	
خیلی زحمت کشیدید ممنون	صارت زحمة عليكم، شكرا جزيلا	
شما برادران ما هستید	أنتم إخوتنا	إنتو إخْوَتْنَه
ما ایرانی ها خیلی شما رو دوست داریم	نحن الإيرانيين نحبّكم كثيرا	إحنه الإيرانيّين هوايَه نْحِبْكُم
زنده باد عراق وملت غیور عراق	عاش العراق وَعاش شعبَهُ الغيور	عاش العراق وْعاش شعبَهْ الغيور
خدا از شما قبول کند	تقبّل الله منكم/ تقبّل الله أعمالكم	
بفرمایین اول شما	تقدّم/ تقدّموا	
اجرتان با امام حسین(ع)	أجركم على أبی عبد الله الحسين(ع)	
خوشمزه بود دست شما درد نکنه	كان لذيذا جدّا، عاشت يداک	كُلِّش طَيِّب چان عاشت اِيدَک

ضرب المثل های عربی

عاقبت جوینده یابنده بود	مَنْ طَلَبَ شیئاً وَ جَدَّ وَجَدَ
هر که با حق در افتد ور افتد	مَنْ صارَعَ الحقّ صَرَعَـــهُ
یک دست صدا ندارد	اليَــدُ الواحدةُ لا تُــــصفّق
گل بی‌خار خداست	من طلب أخاً بلا عيب بقى بلا أخ
چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی	من حَفَرَ بئراً لأخيه وَقَعَ فيها
گنج خواهی در طلب رنجی ببر	من طلب العُلى سَهِرَ الليالی
هر سخنی جایی و هر نکته مکانی دارد	لکلّ مقام مقال
حرف حرف میاره	الكلام يجرّ الكلام
هیچ کس نمی‌گوید ماست من ترش است	لا يمدح العروسَ إلّا أهلُها
دست بالای دست بسیار است	لکلّ فرعون موسى
زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است	كلم اللسان أنكى مِن كلم السنان
کار امروز را به فردا میفکن	لا تؤخّر عمل اليوم إلى غدٍ
نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار	لکلّ جديد لذّة
آدم خردمند دوبار از یک سوراخ نیش نمی خورد	لا يُلدَغُ العاقلُ من جُحر مرّتين
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی	عند الشدائد تعرف الإخوان
کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز	الطيور على أشكالها تقعُ
گر صبر کنی زغوره حلوا سازی	الصبر مفتاح الفرج

آشکارتر از خورشید است	أظهرُ من الشمس
بهترین مردم کسی است که به مردم نفعی برساند	خیر الناس من ینفع الناس
سیلی نقد به ازحلوای نسیه	بیضةُ الیوم خیر من دجاجةُ الغَد
سکوت علامت رضاست	السکوت أخو الرّضا
قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود	حبه حبه تصبح قبه
اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست	خیر الأمور أوسطها
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست	خیر البرّ عاجله
کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ تا ز اندک تو جهان شود پر	خیر الکلام ما قلّ و دلّ
مخالفت کن تا مشهور شوی	خالِفْ تُعْرَف
ماهی را هر موقع از آب بگیری تازه است	لم یَفُتْ مَن لَمْ یَمُتْ
آب رفته به جوی نیاید	الفائتُ لا یُستَدْرَکُ
آب در هاون کوفتن - باد در قفس کردن	کالقابِضِ علی الماء
دل به دل راه دار	مِنَ القَلبِ الی القَلبِ
آشپز که دو تا شد آش یا شور می‌شود یا بی نمک	مِن کثَرهِ مَلّاحِیها غَرقتِ السَّفینهُ
هر سگ به درخانه خویش است دلیر	کلُّ کَلْبٍ ببابه نَبّاحٌ
بگو با که‌ای، تا بگویم که‌ای - تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که کیستی؟	المَرْءُ بَخلیلهِ
کاچی به از هیچی	مَنْ یَمْشِ یَرْضَ بِما رَکِبَ

پایان شب سیه سفید است	الغَمراتُ ثمَّ يَنْجَلينَ
کار را باید به کاردان سپرد	اَعْطِ القَوسَ بارِيها
قدر زر زرگر شناسد	لا تَطرَحِ الدُّرّ اَمام الكَلْبِ
آب دریا را اگر نتوان کشید – هم به قدر تشنگی باید چشید	ما لا يُدرَک كلُّه لا يُترک كلُّه
گذشته ها گذشته	الماضِي لا يُذكَرُ
همه را برق می‌گیرد ما را چراغ نفتی	يأكَلْني سَبُعٌ ولا يأكلُني كلبٌ
اگر لب دریا بروی خشک می‌شود	لواِتّجرتَ بالأكفان ما ماتَ احد
جواب ابلهان خاموشی است	تركُ الجواب علی الجاهل جواب
هر که با حق درافتد ور افتد	مَنْ صَارَعَ الحقَّ صَرَعَه
تو که لالایی بلدی چرا خوابت نمی‌برد؟!	يا طَبيبُ طِبَّ نَفْسَک
کار را که کرد ؟ آن که تمام کرد	الأعمال بِخَواتِمها
هشتش گروی نه است	غَداؤهُ مرهونٌ بَعَشائهِ
پیری و هزار عیب	الشّيبُ كُلّه عيبٌ. يا شايب و عايب .
نمک خوردی و نمکدان شکستی	اَكَلْتُم تَـمْرِی و عَصيْتُم أمـــری.
دستش به انگور نمی رسد می گوید : ترش است	العُنْقُود العَالی حُصْرُمُ.
هر گردی ، گردو نیست	ما كلُّ بَيضاءَ شَحْمَةٌ
شنیدن کی بود مانند دیدن	ليسَ الخبرُ كَالمُعايَنةُ.

اعداد و ایام هفته

اعداد ترتیبی	
اول	(مذکر) أوَّل / اُولی (مونث)
دوم	الثّانی / الثّانیۀ
سوم	الثّالِث / الثّالِثَۀ
چهارم	الرّابِع / الرّابِعَۀ
پنجم	الخامِس / الخامِسَۀ
ششم	السّادِس / السّادسۀ
هفتم	السّابِع / السّابِعَۀ
هشتم	الثّامِن / الثّامِنَۀ
نهم	التّاسِع / التّاسِعَۀ
دهم	العاشِر / العاشِرَۀ

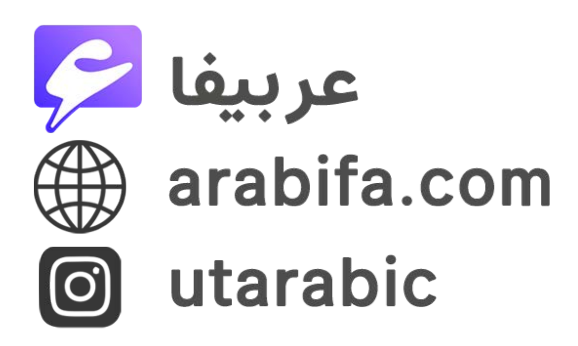
اعداد شمارشی	
صفر	صِفِر
یک	واحِد
دو	إثنان
سه	ثَلاثَۀ
چهار	أربَعَۀ
پنج	خَمسَۀ
شش	سِتَّۀ
هفت	سَبعَۀ
هشت	ثَمانیۀ
نه	تِسعَۀ
ده	عَشَرَۀ

اعداد شمارشی	
یازده	أحَدَ عَشَرَ / إحدی عَشَرَة
دوازده	إثنی عَشَرَ / إثنَتا عَشَرَة
سیزده	ثَلاثَةَ عَشَرَة
چهارده	أربَعَةَ عَشَرَة
پانزده	خَمسَةَ عَشَرَة
شانزده	ستَّةَ عَشَرَة
هفده	سَبعَةَ عَشَرَة
هجده	ثَمانيَةَ عَشَرَة
نوزده	تِسعَةَ عَشَرَة
بیست	عِشرونَ

اعداد شمارشی	
سی	ثَلاثون
چهل	أربَعونَ
پنجاه	خَمسونَ
شست	سِتّونَ
هفتاد	سَبعونَ
هشتاد	ثَمانونَ
نود	تِسعونَ
صد	مِئَه

اعداد ترتیبی	
دویست	مِئَتَین
سی صد	ثلاثَ مِئَة
چهارصد	أربعة مِئَة
پانصد	خَمسَةَ مِئَة
شش صد	سِتّةَ مِئَة
هفت صد	سَبعَةَ مِئَة
هشت صد	ثَمانية مِئَة
نه صد	تِسعَةَ مِئَة
هزار	ألف

ایام هفته	
شنبه	يَومُ السَّبت
یک شنبه	يَومُ الأحَد
دو شنبه	يَومُ الإثنَين
سه شنبه	يَومُ الثُلاثاء
چهار شنبه	يَومُ الأربَعاء
پنج شنبه	يَومُ الخَميس
جمعه	يَومُ الجُمعَه




عزت حسینی علیه السلام
یا اباعبدالله الحسین ادرکنی
حضرت سید الشهدا علیه السلام
امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البتّه مخصوص شیعه نبود، سنّی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.
من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به‌مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملّت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، کَرم و بزرگواری نشان دادند، تشکّر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسالِ اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتّفاق افتاد! وقتی حتّی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این‌جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملّتهای مسلمان - سنّی و شیعه و فِرَق مختلف تسنّن و تشیّع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیّت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.
رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله خامنه‌ای
۱۳۹۳/۱۰/۱۹
قال النبی حسین منی و انا من حسین